

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی که اخیراً برای تصویب از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی شد، در امور اجتماعی و حقوقی ما اثرش شاید مطابق قوانین موضوعه مثلاً آئین دادرسی مدنی باشد. این قانون باب کاملاً جدید و فوق العاده مهم و مؤثری را در روابط اجتماعی بین مردم می‌گشاید و باین دلیل میبایستی در اطراف آن مطالعه و دقت فوق العاده بشود این نویسنده ناچیز در صفحات همین مجله در شماره‌های ۴۸ - ۴۹ - ۵۱ مختصری در اطراف مفاهیم مختلف و دامنه پروسعت مسئولیت مدنی برشته تحریر کشیده‌ام.

اینک با خطر اینکه ممکن است بعضی مطالب مکرر شود و با تقدیم عذر نسبت به عدم تکافوی مطالب مندرج در این مقاله چند کلمه باز در اطراف لایحه پیشنهادی در مجلس بعرض میرسانم امید است که هم کسانی که در تدوین قانون مزبور دست داشته‌اند و هم خوانندگان عزیز و فضیلا حاضر استغفار این نویسنده ناچیز را بپذیرند.

اول - علل احتیاج به وجود قانون مسئولیت مدنی

از نظر تاریخ قانون مسئولیت مدنی در طول قرون گذشته بمرور در ممالک اروپائی تحت قوانین روم و در ممالک انگلیس و آمریکا تحت سیستم « کامون‌لا » سیر تکامل بسیار بطی ولی دائم و حتمی را بمقتضای زمان و مکان داشته است.

آیا مبنای این حقوق بر حقوق جزائی بوده است یا خیر مبحثی است که شاید خود پیش از طول این مختصر محل بحث بخواهد اما بهر حال محرز است که در این حقوق خسارتی مطالبه میشده و مبنای این خسارت بر این بوده است که مدعی بعلت عمل یا عدم عمل مدعی علیه چیزی از دست میداده است.

این بنا حقیقتاً تجدید موقعیت اول و یا جبران خسارت بوده است. مثلاً مدعی علیه در حین انجام عملی که بخودی خود خلاف قانون نبوده و بدون قصد و لسی بعلت بی‌بالاتی چشم مدعی را کور میکند. اکنون مدعی اقامه دعوی مینماید و چون عودت دادن چشم او مقدور نیست خسارت می‌خواهد ظاهراً این اندازه اتفاق قول بین مورخین هست که در اصل قانون مسئولیت مدنی بر اساس تجدید موقعیت اول و یا بعلت عدم امکان آن جبران خسارت بوده است.

این نوع فلسفه زندگی لازمه تمدن روزی بوده که حقوق مربوط به مسئولیت مدنی شروع شد اما در طول قرن نوزدهم و قرن بیستم وضع تمدن عوض شد. انقلاب صنعتی با ایجاد کارخانه‌های بزرگ که چندین هزار نفر کارگرداشته دیگر نمیتوانست تحت حقوق و قوانین مربوط به روابط نوکروارباب که از قرون گذشته باقیمانده بخوبی و بالتیجه قابل قبول رشد و نمو کند

قانون مسئولیت مدنی کم کم از صورت وسیله جبران خسارت به قالب وسیله تنظیم و تقسیم مخاطرات زندگی اجتماعی به کلیه اعضای اجتماع درآمد و امروز قانون مسئولیت مدنی دیگر از نظر قضات و یا قانون گذار و یا افراد اجتماع منحصرآ برای جبران خسارت نیست بلکه موقعیت فرق العاده وسیعتر و موثری را در اجتماع حائز شده است.

در اوائل قرن گذشته دعاوی مربوط به قانون مسئولیت مدنی همیشه بصورت جبران خسارت بین مدعی و یا خسارت دیده و مدعی علیه عامل عمل بود

مثلاً مدعی دواسازی را پبای محاکمه میکشید و بعلت تسامح او درساختن دوا که موجب خسارت شده ادعای جبران میکرد و یا صاحب و راننده وسیله نقلیه را برای تسامح در امور رانندگی و بکارانداختن وسیله مورد بحث طرف دعوی قرار میداد و خسارت میخواست.

ولی اکنون دوافروش فقط وسیله و عامل دستگاه شیمیائی فوق العاده بزرگ و با وسعتی است و کسی دیگر نمیتواند از دوافروش خسارت بگیرد و نه او خسارت میدهد بیبایستی بلکه بناچار شرکت سازنده را طرف دعوی قرار داد

همچنین دیگر کسی باصاحب درشکه و گاری طرف نیست بلکه باشرکت اتوبوس رانی و بنگاه راه آهن شرکت های بزرگ مسافربری هوائی و شرکت های بزرگ سازنده انواع و اقسام وسائل زندگی که دائماً در هر قدم تماس با شخص دارند طرف است. در این صورت نتیجه نیز فرق میکند.

اگر کسی داروسازی را برای اشتباه در کار طرف دعوی خسارت قرار دهد پیشتر از وضع آن داروساز نمیتواند خسارت بگیرد و هیچ داروسازی نیز بیش از یکبار نمیتواند خسارت بدهد و بعد از آن ناچار خواهد شد کسب دیگری برای خود پیدا کند. یک داروساز عادی فقط میتواند دوا برای اهل یک محله و یا یک گذر تهیه کند و پرداخت خسارت او را از پا درسی آورد.

اما بنگاه شیمیائی بزرگ و وسیعی دوا برای تمام مملکت تهیه میکند منافع زیادی هم میبرد و طاقت پرداخت خسارت را هم دارد همچنین مثلاً شرکت هواپیمائی پان امریکن و یا شرکت اتوموبیل سازی جنرال موتور.

واضح است که یک بنگاه شیمیائی بزرگ یا یک شرکت هواپیمائی بزرگ و یا سازنده اتوموبیل و یا مقاطعه کار ساختن یک سد بزرگ و یا متصدیان ساختن راه ها و عمارات و غیره تمام منتهی جدیت و احتیاط لازم را برای حفظ جان کارکنان و کارگران در محل کار میکنند اما عملاً باز میبینیم که عده تلفات جانی و عده خسارت مالی تحمل میکنند دلیل این واضح است اینگونه تلفات و خسارات لازمه تمدن و صنعت امروز است در وسط قرن بیستم با تمام وسائل علمی هنوز کشتی ها بهم و یا به یخ اصابت میکنند و غرق میشوند و یا طیاره ها سقوط میکنند. پلها خراب میشوند و گاهی هم دوا ی عوضی ساخته میشود و عده کثیری صدمه میبینند

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

اگر میخواهیم سد بسازیم باید بدانیم که چنانچه مقداری سیمان و سنگ و آهن میرد مقداری هم جان آدمی میبایستی صرف کنیم اگر میخواهیم اتومبیل در شهر برای رفت و آمد داشته باشیم باید بدانیم تعدادی تصادف و تعدادی تلفات جانی درین خواهد بود اینگونه خسارات و تلفات که غیر قابل اجتناب هستند لازمه تمدن ما هستند و خواهی نخواهی پیش خواهند آمد و چون از وقوع آنها نمیتوان جلوگیری کرد باید دوچاره مختلف بیندیشیم یکی وقوع آنها را بعد اقل برسانیم و یکی تکلیفی برای خسارت دیده و یا بازماندگان او تعیین کنیم.

این عمل اخیر است که در زمان حاضر وظیفه قانون مسئولیت مدنی است و بطلب تازگی هم ندارد ولی تازگی آن در نتیجه حاصله مستتر است باین نحو:

شرکت داروسازی بزرگ که دواجات خود را بتمام مملکت میفروشد و یا شرکت سد سازی بزرگ که سد بر روی رود کارون میزند و یا شرکت هواپیمائی بزرگ که مسافر دور دنیا میگرداند و تمام سازندها و عاملین شبیه آنچه ذکر شد تمام میدانند که بدون تردید سالی تعدادی تلفات جانی مقداری خسارت مالی و مقداری متقاعد و ناقص العضو خواهند داشت که مسئول خود آنها و یا بازماندگان آنها خواهند بود. این مسئولیت تبدیل به قیمت میشود.

مثلاً مبلغ \times ریال هر سال میبایستی پرداخت شود. این شرکتهای بزرگ که هر سال مبلغی معادل \times ریال خسارت میدهند هر سال مبلغی هم مثلاً پول مواد اولیه برای ساختن اجناس خود میدهند و مقداری هم مزد کارگر و کارمند و غیره میدهند. بالاخره این مبلغ تمام جزو هزینه تولید و یا توزیع اجناس آنها است.

نتیجه اینست که هزینه کار آنها معادل \times ریال ترقی کرده و میبایستی این هزینه را در هزینه کل محاسبه کنند و نسبت بان برای اینکه متضرر نشوند قیمت اجناس خود را ترقی دهند. بنابراین مصرف کننده اجناس هر کارخانه یا هر شرکت پول خسارت تلفات جانی و مالی تولید آن اجناس را نیز میدهد و شرکت مورد بحث برای اینکه مبلغ \times ریال را محاسبه کند بخود زحمت نمیدهد معمولاً خود را بر علیه تمام این گونه خسارات بیمه میکنند و محاسبه پرداخت احتمالی خطر را به بیمه واگذار میکنند.

قانون مسئولیت مدنی شاید دواساز سر گذر را ورشکست میکرد ولی در تمدن امروزه مخاطرات تمدن را بر کسانیکه از هر قسمت بخصوص این تمدن متمتع میشوند تقسیم کرده. من غیر مستقیم خسارت تلفات جانی و مالی دواسازی را بر مصرف کنندگان داروی شرکت و یا خسارت جانی و مالی هواپیمائی را بر تمام مسافرین تحمیل میکنند زیرا این شرکتهای ناچارند از راه بیمه مبلغ جزئی بر قیمت واحد محصول خود بیفزایند و خسارت دیده و بازماندگان او را نیز از عواقب وخیم تصادفات در اجتماع بر تصادف ما برهاند. این بود اثر اجتماعی قانون مسئولیت مدنی و تازگی آن در زندگی اجتماعی و تمدن اسروزی ما که بنظر این نویسنده ناچیز هر قانون مسئولیت مدنی و یا هر تغییری در آن میبایستی بر این اساس باشد دیگر صرف جبران خسارت نیست بلکه قانون گذار میبایستی با نظر وسیعتر و بلندتری بر قانون مسئولیت مدنی بنگرد.

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

مطلب دیگری نیز از بحث فوق نتیجه میشود و آن نزدیکی و ارتباط عمل بیمه و قانون مسئولیت مدنی است. بمحض اینکه قانون مسئولیت مدنی نسبتاً مؤثری بموقع اجرا گذاشته شود بیمه همراه آن و بدنبال آن بوجود میآید.

در ممالک اروپا و آمریکا قانون مسئولیت مدنی با بیمه و بانک و کارخانه‌های بزرگ و انقلاب صنعتی و همچنین قوانین دیگری مثل قانون مربوط به کارگر و کارفرما - قوانین مربوط بقرار دادهای مختلف و قوانین کشتی‌رانی و باربری و غیره تمام بمروور و بسته به احتیاجات اجتماعی با تناسب و تقریباً با هم بوجود آمدند و اکنون این قوانین و روابط اجتماعی کم و بیش باهم کار میکنند و چرخ تمدن را میگردانند.

اما در ایران غیر از این شده و دلیل آن کوتاهی ما و عجز ما نبوده است بلکه عدم امکان در تقبل تمدن غرب بطور یکجا بوده است چطور میتوان در اجتماع ما که با اجتماع غرب فوق‌العاده فرق دارد یکجا و یکمرتبه تمام قوانین و عادات و رسوم آنها را وارد کرد و قبولاند چون یکمرتبه این عمل مقدور نیست ما بمروور به احتیاجات خود پی میبریم .

مثلاً وقتی تعداد اتومبیل در تهران زیاد شد و تصادفات از حد گذشت توجه میکنیم که مسئولین این خسارات را میبایستی وادار کرد خسارت دیدہ را جبران کنند همچنین است وقتی که در کارخانجات کم کم متوجه میشویم که میبایستی برای کارگر آنها یک نوعی از بیمه که بحال او مفید باشد فکر کرد.

در خلال این سیر تکامل صنعتی و رفع احتیاجات اجتماعی ما موظفیم که سعی کنیم از آنچه دیگران کرده‌اند و از نتایجی که در غرب گرفته شده استفاده کنیم. بدیهی است اگر از تجربه دیگران استفاده نکنیم و بخواهیم از محلی شروع کنیم که مثلاً مملکت فرانسه قانون گذاری مربوط به مسئولیت مدنی را شروع کرده است عمل عبث و غلطی خواهد بود این ممالک اقلّاً دو قرن تجربه در این زمینه کسب کرده‌اند و نتایج آن تجربیات در قوانین امروزی آنها مستتر است و حقیقتاً ما میبایستی سعی کنیم از کلیه تجربیات و مطالعات آنها نتیجه بگیریم.

با این مقدمه و براساس آنچه گفته شد اکنون میتوان به لایحه دوازده ماده مربوط به مسئولیت حقوقی که تقدیم مجلس شده مراجعه کنیم و بحث مختصری در اطراف آن بشود.

دوم - بزرگترین نقصی که این قانون مسئولیت مدنی دارد و یا انتقادی که بر آن وارد است این است که فقط بمنظور جبران خسارت وضع شده نه برای تحصیل آثار اجتماعی که چنین قانونی در دنیای امروزی میبایستی در بر داشته باشد. درست مثل قانون مالیات بر درآمد که غیر از تحصیل عایدات برای دولت اثر تقسیم و تساوی در امرار معاش و سطح زندگی را دارد قانون مسئولیت مدنی میبایستی خسارات جانی و مالی نتیجه شده از اجتماع و تمدن امروزی را نیز بکلیه کسانی که از این اجتماع و تمدن برخوردارند مساوی و یکسان تقسیم کند.

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

این اثر اجتماعی است که قانون مورد نظر و پیشنهادی دولت دارا نیست و برای اینکه رفع نقص از آن بشود میبایستی دو عمل پیش‌بینی میشد.

الف - بیمه اجباری

در سالکی که از این نظر از ما پیش هستند چنانچه گذشت بیمه و مسئولیت مدنی و سایر قوانین مشابه باهم و بتدریج رشد و نمو کرده‌اند بنحوی که هر یک مکمل دیگری است اما در ایران بدون توجه به آثار اجتماعی و یا احتیاجات نوع تمدن ما بسته به عوامل مختلف قوانین را پیشنهاد و از مجلس میگذرانند.

مثلاً قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران بدون توجه به عدم وجود قانون مسئولیت مدنی از مجلس گذشت و دلیل واقعی آنهم شاید چیزی غیر از دلسوزی برای کارگران بود. اکنون قانون مسئولیت مدنی که شاید میبایستی قبلاً مطرح و اجرا میشد پیشنهاد شده و باز بدون دقت نسبت به ارتباط آن با بیمه‌های کارگران یا بیمه بطور کلی آنرا نوشته‌اند و از مجلس میگذرانند. اگر نتیجه هرچ و مرج قضائی بشود نباید تعجب کرد!

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران کلیه کارگران مشمول آنرا پیش بنگاه مستقل دولتی بیمه میکند و حق بیمه را کارفرما و کارگر با هم پرداخت میکنند. این حق بیمه در تقریباً کلیه موارد در حدود ۱۸٪ مزد کارگر است و قانون بیمه‌گر و یا بنگاه بیمه را مسئول پرداخت خسارت کرده. کارگری که مثلاً در اثر تصادفات در حین کار پای خود را از دست داده بموجب قانون و آئین‌نامه آن مستحق مبلغی خسارت میشود.

آیا این کارگر میتواند علاوه بر خسارتی که از بیمه میگیرد کارفرما را برای دریافت خسارت محاکمه کند بنظر این نویسنده ناچیز بموجب لایحه که پیشنهاد شده کارگزیان دیده در کمال راحتی میتواند خسارت جدیدی مطالبه و وصول کند و بالنتیجه موجب دو نوع بیمه میشود یکی بیمه که کارفرما موظف است بموجب قانون برای تمام کارگران تحصیل کند و دیگری بیمه‌ای که بر علیه خسارت محتمله بموجب قانون جدید ناچار است بپردازد و بنابراین دو تحمیل میشود و نتیجه برای اجتماع فوق‌العاده سخت و غیر قابل تحمل میشود.

حال مطلب را از جانب دیگر مطالعه کنیم - بفرض اینکه شخص زیان دیده توانست در محکمه حکم برای وصول خسارت بگیرد آیا تمام خسارات قابل وصول هستند؟ جواب این سؤال منفی است. تعداد تصادفات و بالنتیجه خسارت جانی و مالی که در اثر تصادفات اتومبیل در شهر تهران میشود از قبیل مثال فوق هستند یعنی عامل یا زیان‌زننده که هم مالک و هم راننده اتومبیل است مقصر می‌باشد و حکم بر علیه او اساساً بی‌نتیجه و اثر است. بنا بر این قبل از اینکه خسارت قابل وصول تعیین شود و قانونی برای آن بگذارند باید فکر کرد که آیا قانون مؤثر هست یا نه و اگر اثر دارد اثر آن تا چه اندازه است. در مورد کارگران بیمه شده بنظر این نویسنده ناچیز اثر قانون فوق‌العاده سخت و خطرناک است و در مورد اتومبیل رانهای تهران قانون مسئولیت مدنی تقریباً و مطلقاً موثر نیست.

در این صورت راه حلی میبایستی پیدا کرد و راه حل بیمه اجباری است و پس از بیمه اقلاً تا حدودی ذمه مدعی علیه در قانون مسئولیت مدنی میبایستی بری باشد. در دو مثال فوق قانون میبایستی پیش بینی کند که کلیه کارگرانی که بیمه هستند نسبت به خسارت ناشی از کار و یا خساراتی که تحت این قانون بیمه اجتماعی کارگران پیش بینی شده حق ادعای جدیدی ندارند و در مورد اتومبیلها میبایستی پیش بینی میشد که کلیه اتومبیلها قبل از اینکه نمره شهربانی بگیرند و حق رانندگی و یا کار داشته باشند میبایستی تا حدودی معین نسبت به خسارات وارده به اشخاص دیگر بیمه شده باشند. در چنین صورت مقصود اجتماعی ما کاملاً تحصیل شده :

اولاً - شخص زیان دیده خسارت خود را از شرکت بیمه که توانائی پرداخت دارد وصول میکند.

ثانیاً - حق بیمه را دارندگان اتومبیل جزء بسیاری از خرج های دیگر اتومبیل مثل مالیات هر ساله میپردازند و هر کدام این هزینه بیمه را برمخارج کار خود می افزایند. کرایه اتومبیل مبلغ فوق العاده جزئی ترقی میکند اما هیچ زیان دیده نیز بی اجر نمیاند در صورتیکه نسبت به تسامح یکی از طرفین یک تصادف تردیدی باشد دعوی در محکمه طرح نمیشود و طرفین دعوی دیگر زیان دیده و زیان زننده نیست بلکه دو کمپانی بیمه هستند.

تا آنجائیکه این نویسنده ناچیز اطلاع دارد در امریکا برای سالهای سال کمپانی های بیمه با هم در محاکم جنگیدند و بالاخره تصمیم گرفتند که از این جدالها فایده نمیرند و قرار گذاشتند بدون توجه به تقصیر و یا تسامح یکی از دو راننده هر یک از دو کمپانی بیمه دو اتومبیل که در تصادف واقع شده اند خسارت مربوطه به آن اتومبیلی را بدهند که قبلاً بیمه کرده بود و نتیجه در طول مدت مدید یکسان خواهد شد.

بنا بر این جای تعجب نیست که اغلب دیده میشود که وقتی حتی تصادف نسبتاً سختی بین دو اتومبیل واقع میشود سرنشینان آنها پیاده میشوند و هر یک کارت خود و اسم کمپانی بیمه خود را بدیگری میدهند و از هم خدا حافظی میکنند بدون اینکه نزاع و معطلی فوق العاده مضر و بی مصرف راننده های تهران را بخود هموار کنند.

قانون مسئولیت حقوقی که بمجلس داده شده این عیب بزرگ را دارد که در مورد قوانین موضوعه که اجرا نیز میشوند و سوابق مفصل دارند دقت کافی بخرج نداده و نیز بدون توجه به مقصود اصلی و فایده اجتماعی قانون مسئولیت مدنی برشته تحریر درآمده است.

ب - سایر قوانین موضوعه

قانون مسئولیت حقوقی ممکن است که در قوانین ایران تازگی داشته باشد ولی تردیدی نیست که جبران خسارات ناشی از اعمال اشخاص بی سابقه نیست. قانون گذار بنا بر این میبایستی قبل از تصویب و اجرای این قانون جدید ارتباط آنرا با قوانین مشابه بسنجد چنانکه گذشت ارتباط این قانون با قانون کار و بیمه های اجتماعی فوق العاده نزدیک

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

است و بدون تردید با قوانین مربوط به خسارت نیز ارتباط دارد و بناچار میبایستی این ارتباط را مطالعه کرد تا خوب و بد و یا موفقیت و عدم موفقیت قانون جدید را بتوان پیش بینی کرد.

در دو محل بخصوص از قوانین ایران جبران خسارات ناشی از اعمال اشخاص پیش بینی شده و هر یک میبایستی جداگانه تحت مذاقه قرار گیرند.

۱ - قانون مدنی در باب مربوط به الزاماتیکه بدون قرارداد حاصل میشود بخصوص مواد مربوط به اتلاف و تسبیب (مواد ۳۲۸ تا ۳۳۵).

۲ - قانون آئین دادرسی جزائی در ۱۵ ماده اول.

مواد ۳۲۸ تا ۳۳۵ قانون مدنی این مواد مشتمل بر دو مبحث اند سه ماده اول مربوط به مبحث اتلاف و پنج ماده بعدی مربوط به مبحث تسبیب است.

ماده ۳۲۸ مربوط به اتلاف فوق العاده پرمعنی و با وسعت و در زندگی امروزی مؤثر است اگر آنرا بخوبی اجرا کنند - متن ماده بقرار ذیل است :

ماده ۳۲۸ « هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است » .

نویسندگان مختلف و مهم راجع به قانون مدنی ایران درباره این باب و ماده بخصوص بحث کرده اند و لزومی ندارد که در این مختصر قسمتی از آنها تکرار شود . اما دو موضوع راجع به این ماده میبایستی ناگفته نماند :

اول وسعت فوق العاده مفاهیم قضائی است که در آن گنجانده شده است . مثلاً لفظ مال غیر - ضامن - عمد یا بدون عمد - عین یا منفعت و غیره . با این وسعت بنظر این نویسنده ناچیز کمتر موردی هست که ممکن است مشمول مسئولیت مدنی بشود ولی مشمول این ماده نشود . مواد ۳۲۹ و ۳۳۰ بعکس ماده فوق مواد فوق العاده محدود و حقیقتاً بی اثر هستند با وجود ماده ۳۲۸ دو ماده بعدی نمیبایستی جزء قانون مدنی بدون میشد .

مطلب دومی که راجع به باین ماده باید متذکر شد اینست که چرا با وجود آن و در اثر آن بخودی خود مسئولیت مدنی در ایران بوجود نیامد و اکنون لازم گردیده است که قانونی بگذرانند .

دو دلیل برای این پیش آمد میتوان ذکر کرد :

اول مفهوم کلی اتلاف است که از فقهای اسلامی بمارث رسیده . این مفهوم

فوق العاده محدود است .

دوم عدم توجه کافی از جانب وکلا و قضات جوانتر که دیگر روابط آنها از فقه اسلامی قطع شده و با مسائل اجتماعی و قوانین اروپائی جدید بیشتر ارتباط پیدا کرده اند .

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

وکلا و قضات جوان میبایستی مواد قوانین را با مسائل جدید اجتماعی ما بسنجند و تعبیر و ترجمه کنند. بفرض اینکه مفهوم اتلاف در فقه اسلامی محدود به موارد بخصوص بود.

اکنون وکلا و قضات کاملاً آزادند که بعلت و احتیاجات اجتماعی و تمدن ما دامنه این مفهوم را وسیعتر کنند و در مواردی که اساساً بفکر و مخیله فقهای اسلامی نیامده آنها اجرا کنند.

مثلاً در زمان فقهای اسلامی طیاره نبوده و بالطبع فرودگاه هوایی هم نبوده و طیاره ها هم روی منازل مردم در اطراف فرودگاه پرواز نمیکرده اند که صدای آنها و یا ارتعاشات هوا موجب زحمت و خسارتی نمیشده. اما اکنون این مسئله برای ما مطرح است.

آیا پرواز طیاره ها از روی منازل اطراف فرودگاه از قیمت منازل نمیکاهد؟
جواب این سؤال مثبت است.

آیا در آن صورت مشمول ماده فوق نمیشود.

بنظر این نویسنده ناچیز میشود زیرا لفظ هر کس شامل دولت و متصدیان فرودگاه نیز هست و نقص قیمت هم که در ماده پیش بینی شده موجود و قابل ثبوت است بنابراین همه چیز تنها تقصیر فقهای اسلامی نیست بلکه تقصیر ما وکلای جوان و قضات جوان است که حاضر به تفکر و تجسس نیستیم.

البته غیر از ما وکلا و قضات جوان اقلای یک فرد دیگری نیز تقصیرکار است و آن دستگاهی است که ما را تربیت کرده. در حقیقت میبایستی فکر ما بنحوی تربیت میشد که حاضر بدیدن و سنجیدن و حل مسائل جدید با وسیله قوانین قدیم میبودیم. این طرز فکر و رویه و متد تفکر بدبختانه بما تدریس نشده بعبارت اخری ما برای این اجتماع و احتیاجات آن تربیت نشده ایم. اجتماع و تمدن بسرعت در حرکت اند ولی ما هنوز بارشته هائی که بیشتر تاروپود آنها از تنبلی تشکیل شده بسته شده ایم و قوانین را از دیده آنها مینگریم.

جمله فوق معترضه بود و با ذکر عذر بمطلب باز میگردیم و مطلب اینست که بابدن ماده ۳۲۸ قسمت عمده احتیاجات امروزی مربوطه به قانون مسئولیت مدنی برطرف میشود حال اگر آنها درست اجرا نمیکند چه اطمینانی در دست است که قانون جدید بفرض تصویب درست اجرا خواهد شد. بنابراین نداشتن قانون نیست که مسئله خسارت از اعمال دیگران را در ایران بوضع کنونی در آورده و دلیل چیز دیگر و جای دیگر است و میبایستی در آنجا جستجو شود تا رفع نقص بشود.

مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ مربوط به مبحث تسبیب باز بعکس آنچه که در عمل واقع شده دامنه مشمول ماده ۳۲۸ مربوطه خسارت اتلاف را وسیعتر میکند. باین ترتیب که بین عامل عمل اتلاف با مسئول پرداخت خسارت فرق میگذارند. این مسئله مهمترین قدم در توسعه قانون مسئولیت حقوقی است و محتاج به بحث بیشتری است.

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

دنیاى امروز پراز کارخانه و شرکتهای بزرگ است و این کارخانجات و شرکتهای چرخ تمدن پرپیچ و خم ما را میگردانند. بدیهی است که شرکتهای شخصیت‌های حقوقی میباشند که در تخیل فکر و درتصور قانون وجود دارند اما خود درخارج وجود خارجی ندارند و عامل هیچ عملی هم مستقیم نمیتوانند واقع شوند.

شرکتهای بدست مدیران اداره میشوند و عملیات آنها هم بوسیله کارمندان و کارکنان و یا کارگران آنها صورت میگیرد مثلاً شرکت کوکاکولا دارای مدیری است که دستور میدهد و درعین حال دارای راننده است که کوکاکولا در کامیون شرکت میگذارد توزیع میکند. حال کدام: شرکت یا مدیران آن مسئول عملیات راننده هستند و یا درحقیقت هیچکدام.

اگر بین اتومبیل کوکاکولا و اتومبیل پیسی کولا تصادف واقع شود بموجب ماده ۳۲۸ هرکس که مال غیر را تلف کرده باید خسارت بدهد واضح است که در این صورت تقصیر هر راننده که هست باید خسارت بدهد و ماده ۲۳۵ نیز همین موضوع را تاحدودی شامل است. بنابراین هیچ وقت نمیتوان از شخص راننده به بالاتر مراجعه کرد و ما همه میدانیم که راننده‌ها قادر به پرداخت خسارت نیستند شاید بهمین دلیل هم اغلب از گرفتن خسارت صرف نظر میکنند.

اما ماده ۳۳۱ مفهوم سبب را ایجاد کرده است. آیا در مثال فوق نمیتوان گفت که مسبب اصلی تصادف کسی دیگر بوده ولی عامل آن و یا بقول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مباشر آن راننده بوده است. جواب این سؤال بنظر این نویسنده ناچیز مثبت است و بالنتیجه از راننده به شرکت منتقل میشود چون میتوان گفت مسبب عمل شرکت بوده که ایجاد مخاطره را کرده است.

و یا اینکه چون شرکت با ایجاد مخاطره اتومبیل کسب میکند مسبب خسارت هم بوده گرچه مباشر آن راننده است. در این صورت شرکتهای که تجارت میکند مسئول خسارات ناشی از تجارت خود نیز خواهد بود و در ماده ۳۳۱ هیچ لفظی نیست که مانع این تعبیر شود.

ماده ۳۳۲ - قدری مسئولیت ممکنه را بسمت مباشر آن متوجه میکند ولی باز میگوید مگر اینکه «سبب اقوی باشد» حال درچه صورت سبب اقوی است.

بنظر این نویسنده ناچیز در تمام مواردیکه اشخاص مستخدم و کارگر اعم از شرکت‌ها و دولت و یا افراد طبیعی باشید سبب اقوی است که مسئول کارفرما است. اما تعبیر و ترجمه که از قدیم بر این ماده گذاشته شده چنین نتیجه را نمیدهد و بهمین دلیل این ماده تا اندازه فوق العاده مؤثری مواد ۳۳۱ و مواد مربوط به اتلاف بخصوص ۳۲۸ را ضعیف کرده و موجب این شده که دولت بفکر قانون مسئولیت مدنی بیفتد!

اما اصل مسئله چنانکه ذکر شد فقدان قانون نیست فقدان تشخیص خوب است و گر نه چنانکه خواهد آمد قانونی هم که نوشته شده و به مجلس فرستاده شده است نقائص شبیه بانچه درباره مواد فوق ذکر شد دارد و بدون تردید نخواهد توانست نتیجه مطلوبه را تحصیل کند.

۲ - قانون آئین دادرسی جزائی در ۱۵ ماده اول

دیگر از مواردی که در قانون ایران نسبت به پرداخت خسارت ناشی از عملیات دیگران پیش بینی شده در چند ماده اول قانون آئین دادرسی جزائی است. بطور اختصار باید گفت که بموجب این مواد شخصی که از عمل متهمی خسارت دیده تحت شرایطی میتواند عرض حال ضرر و زیان بدهد و محاکم جزائی و یا در موارد بخصوص محاکم حقوقی میبایستی رسیدگی کنند.

حال باید دانست که روابط این حقوق اشخاص با قانون مسئولیت مدنی جدید چه صورتی پیدا میکند ظاهر امر اینست که اگر خسارت دیده در محاکم عادی بموجب قانون مسئولیت مدنی عرض حال داد دیگر حق عرض حال ضرر و زیان در محاکم جزائی ندارد.

این مسئله واضح در قانون خیلی روشن نیست زیرا ممکن است گفته شود که ضرر و زیان که در اثر جرم مجرمی به کسی تعلق خواهد گرفت از مسئله حقوقی که تحت قوانین مسئولیت مدنی بهمان شخص تعلق میگیرد جدا است.

یا میتوان گفت که قانون گذار غیر از حقوقی که بهر حال اشخاص داشته اند بموجب قانون مسئولیت مدنی حقوق جدیدی بآنها داده. این نوع استدلال دربرای اخذ دو خسارت در اثر یک عمل باز میکند در صورتیکه تردید هست که نیت و مقصود قانون گذار این بوده. این نیت واقعی قانون گذار میبایستی در متن قانون ظاهر شود و بصراحت روابط قانون جدید مسئولیت مدنی با قوانین که مربوط باین موضوع هستند معلوم شود تا از مقدار کلی کشمکشهای قضائی کاسته شود.

سوم - بحث در اطراف متن لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

مطالب تازه و قابل بحث این لایحه جدید بسیار است در اینجا مختصراً به سه مطلب نسبتاً مهمتر رجوع میشود. هر سه این مطالب در قوانین ما تازگی دارد.

۱ - خسارات معنوی

بموجب ماده ۱ لایحه خسارات معنوی اشخاص نیز قابل جبران بوسیله عوامل مادی است. و بموجب ماده ۲ لایحه زیان معنوی لطمه ایست که موجب جریحه دار کردن احساسات زیان دیده یا وارث قانونی او میشود. تا مادامی که این تعریف احساسات معنوی و خود مفهوم آن در محاکم مطرح نشده و حدود و مشخصات آنها تعیین نشده مشکل است گفته شود تا چه حد قانون جدید درهای تازه را میگشاید.

معنی قضائی و مفهوم احساسات معلوم نیست. آیا در دوالم طبیعی جزء این مفهوم احساسات است. یعنی تصور کنیم کسی در اثر بی مبالاتی دیگری در خیابان در ضمن تصادفی بزمین خورد.

اولاً - در اثر شکستن دستش میخارجی را عهده دار خواهد شد شبیه به بخارج طبیب و دوا وغیره.

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

ثانیاً - مدتی از کارش بیکار میشود و از حقوق ماهیانه محروم میگردد.
ثالثاً - در اثر ناقص شدن در آتیه از کار خود باز میماند.
رابعاً - مدتی درد والم تحمل میکند چون عمل شکسته بندی دردناک است.
خامساً - مدعی میشود که در خیابان در اثر تصادف و تحمل خجالت زدگی شدید یا بدلائل دیگر احساسات او جریحه دار شده است.

سه خسارت اول محرز یعنی خرج دوا و طبیب و مزد عقب افتاده و عجز از کار در آتیه جزء خسارات مادی قابل ادعا و وصول اند اما دو خسارت بعدی بیشتر مربوط به احساسات میباشد. حال آیا هر دو قابل وصول هستند یا خیر. جریحه دار شدن آبرو جزئی از هتک حیثیت است که در ماده اول بصراحت پیش بینی شده ولی آیا تحمل درد والم جزء آن هست یا خیر.

مثلاً اگر زیان دیده دستش خوب شد و سرکار اول خود برگشت فقط میبایستی سه خسارت اول را بگیرد و از بابت اینکه مدتی بدون دلیل تحمل درد والم کرده حق دریافت مبلغی ندارد.

حل این مسئله از ظاهر قانون مقدور نیست اما طبق قوانین خارجی و به تبعیت از آنها قاعدتاً میبایستی بتوان خسارتی نسبتاً سنگین از بابت تحمل درد والم گرفت. و اگر از این بابت خسارتی نتوان گرفت بیشتر خسارات فوق العاده کم و حتی لایق به اقامه دعوی و تعقیب آن نمیشود. قانون گذار حق بود مورد را پیش بینی میکرد تا رفع شبهه بشود.

۲ - دومین مسئله تازه که در این لایحه پیش بینی شده در ماده (۹) مذکور است و آن حق افراد بر علیه کارکنان دولتی است که در اثر اعمال خلاف قانون آنها خسارتی تحمل کرده اند:

در قسمت اول ماده تا اندازه به صراحت دریافت چنین خسارتی را پیش بینی کرده و بعد دومورد را مستثنی کرده که تقریباً شامل تمام موارد خواهد بود:

مورد اول درموقعی است که خسارت ناشی از عمل فرد نباشد ولی در اثر وضع تشکیلات و اداره مؤسسه دولتی باشد در این صورت مؤسسه میبایستی خسارت را بدهد. اولاً - تمایز این عمل شخصی کارمند و یا خسارت ناشی از تشکیلات تقریباً

غیر ممکن است.

ثانیاً - بفرض اینکه مؤسسه محکوم شد اخذ خسارت از دولت بهر حال عملاً

غیر ممکن است.

مورد دوم که مستثنی شده مربوط به اعمال حاکمیت دولت است که برای تأمین منافع اجتماعی بعمل میآید. شاید اکنون در ایران علمائی باشند که قادر باشند تشخیص و تمایز بین اعمالی که دولت درموقعیت حاکمیت خود انجام میدهد از اعمالی که در غیر آن انجام میدهد بدهند اما این نویسنده ناچیز باید با کمال صراحت اقرار کنم که من هرگز قادر به چنین تشخیص و تمایزی نبوده ام و معتقدم که در ایران و حقوق مدنی آن چنین تشخیص تا بحال داده نشده. دولت تقریباً در تمام موارد میتواند بگوید آنچه کرده

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

برای رفاه عموم و در موقعیت حاکمیت بوده و بنابراین بموجب متن لایحه اخذ خسارت از آن غیرممکن است .

۳ - سومین و شاید مهمترین مطلبی که در این لایحه پیش بینی شده در مفاد ماده ۱۰ گنجانده شده است - این مطلب همان مسئولیت کارفرما در مقابل خساراتی است که کارگر و یا کارمند او باشخص میزنند .

چنانکه گذشت این مرحله از مهمترین مراحل مسئولیت مدنی در تمدن و زندگی مدرن است .

تمام چرخهای اجتماع مدرن بوسیله شرکتهای بزرگ اداره میشود و این شرکتهای دارای کارمند و کارگر و مدیر میباشند و تا مادامی که مسئول عملیات کارمندان و کارگران و مدیران خود نباشند خسارت واقعی بکسی پرداخت نمیشود و درعین حال سعی و جدیت واقعی هم نخواهد شد که از خسارات جلوگیری شود .

چنانکه گذشت تا بحال این ارتباط بین عمل کارمند و کارفرما و خسارت ناشی از عمل در محاکم استوار شده و اکنون این لایحه میخواهد این رابطه را ایجاد کند . اما در ماده ۱۰ استثنائی قائل شده که تقریباً تمام موارد را جزء این استثناء از بین برده . کلماتی که این استثناء را پیش بینی کرده بقرار ذیل اند :

« مگر اینکه ثابت شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب مینمود بعمل آورده یا اینکه اگر احتیاطهای مزبور را بعمل میآورد باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نبوده است » .

حال باید دید در چه موقع احتیاط های لازم بعمل آمده مثلاً کارفرما برای انتخاب راننده اتومبیل کامیون کوکاکولا دقت کافی بخرج دهد و راننده باتجربه و دارای گواهینامه درجه یک استخدام کند و او را برای مدت یکماه تحت تعلیمات قرار دهد و بعد بکار بگمارد دیگر مسئولیت اعمال این راننده متوجه شرکت کوکاکولا نیست . شرکت تمام احتیاطهایی که میتواند بکند کرده و دیگر بموجب این ماده نمیبایستی مسئولیتی متوجه آن باشد .

اگر نتیجه ماده ۱۰ و قانون مسئولیت مدنی این باشد که ذکر شد فقط حسنی که دارد اینست که قدری بر احتیاط کارفرما میافزاید و بالاخره ممکن است از تعداد تصادفات کم کند ولی وضع خسارت دیده همان خواهد بود که امروز هست چون با احتیاط یا بی احتیاط بهر حال تصادفاتی خواهد شد و مصدومین قادر به دریافت خسارات نیستند چون راننده نمیتواند بپردازد . در صورتیکه خسارت را سیبایستی کارفرما بپردازد .

خلاصه نتایجی که از بحث فوق راجع به لایحه مسئولیت مدنی حاصل میشود بقرار ذیل اند :

اولاً - این لایحه بر اساس احتیاجات اجتماعی که لازمه تمدن امروزی ما است

مختصری در اطراف لایحه مربوط به مسئولیت مدنی

مدون نشده. اساساً رسم نیست که آثار اجتماعی قوانین را مطالعه کنیم هرگز به احتیاجات اجتماعی نظری نداریم و این لایحه خود شاهد همین وضع است.

ثانیاً - این لایحه بدون توجه به قوانینی که اکنون مجری میباشند مدون شده و بالنتیجه موجب عدم توازن در بسیاری از موارد شده و از نظر ارتباط آن با قوانین جاریه میبایستی از نو مطالعه و مدون شود.

ثالثاً - متن قانون بنحوی نوشته شده که حتی اگر قسمتهای مفیدی داشته باشد بموجب مفاد لایحه خنثی و بلا اثر می ماند.

قانون نویسی در مملکت ما بیشتر بصورت اسپرت بیرون آمده - هر شعبه از شعب مختلف اداری دولت ما هر روز که اراده کنند قانونی بصورت ماده واحده شامل چند ماده و چند تبصره مینویسند بدون اینکه دقتی در آثار و روابط آن با خارج داشته باشد و نتیجه همین میشود که بحث کردیم.

با تقدیم عذر نسبت به نقائصی که در بحث فوق است امیدوارم که خداوند عمر و توفیق عطا فرماید تا بیشتر در این موارد مذاقه بعمل آورم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی